

- (اعلموا أنّي كجدي الحسين وأنفي كالحجر) ..
- بدانید که من مانند جدم امام حسین هستم و بینی‌ام مانند سنگ است

طلب أحد الأنصار ذات مرة أن يعيد علاقته بأناس كانوا قد ردوا الحق ورفضوه، ووصفهم العبد الصالح بأنهم طغاة، وبعد طرح ما طلبه الأخ عليه رفض (عليه السلام) ذلك، ثم قال: (أرجو أن تفهموا شيئاً، أنا كجدي الحسين (عليه السلام) وأنفي كالحجر، ووالله أدبح ألف مرة ولا أطأئي رأسي لطاغية).

یک بار یکی از انصار می‌خواست با گروهی از مردم که حق را رد و انکار کرده بودند و عبد صالح (علیه السلام) آنها را سرکش توصیف نموده بود، تجدید رابطه کند. پس از آن که این برادر، موضوع را با عبد صالح (علیه السلام) مطرح نمود، ایشان (علیه السلام) آن را قبول نکرد و فرمود: «امیدوارم چیزی را بفهمید: من مانند جدم حسین (علیه السلام) هستم و بینی‌ام مانند سنگ است! به خدا سوگند اگر هزار بار سرم را ببرند، در برابر طاغوت سر فرود نمی‌آورم».

* * *

كان هذا آخر ما دونته عنه رُوحى فداه ممّا نقلته فى هذا الكتاب، أرجو الله أن يعمّ
نفعه عباده المؤمنين،

این آخرین چیزی است که از او -جانم فدایش باد- در این کتاب به نگارش درآوردم. از خداوند
مسئلت می‌کنم که بندگان مؤمن‌اش را به آن بهره‌مند گرداند.

والحمد لله رب العالمين أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً، وصلى الله على عبده ورسوله
محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً، والسلام عليكم ورحمة الله
وبركاته.